

بررسی تطبیقی آرایه جناس در کتاب های «معالم البلاغه»، «جواهر البلاغه»، « فنون بلاغت و صناعات ادبی» و «نگاهی تازه به بدیع»

محمد جواد صادقی نقدعلی^۱

چکیده

صناعات ادبی تصویرهای زیبا و بس بدیع در متون ادبی ایجاد می کنند که در نوع خود تکمیل کننده ی بار معنایی و محملی برای عمق بخشیدن به اندیشه ی نویسنده و شاعر می گردند. آرایه جناس به نوعی ملکه ی زیبایی های فنون ادبی و حتی متون مقدس مانند قرآن و ... است که در ماهیت خود قافیه و استعاره را به هم پیوند می دهد. امروزه رویکرد به جناس با نگاه سنتی به آن تفاوت زیادی پیدا کرده است و این ملکه ی زیبا و نجیب در پیوند با زبان شناسی نوین دل ربایی بیشتری از خود نشان می دهد. هدف اساسی این مقاله تبیین جایگاه جناس در دو دوره ی سنتی و نوین است. و این که دانش زبان شناسی جدید در حال ایجاد ساختار جدیدی برای صناعات ادبی و بویژه جناس است. این تغییر نگرش به جناس دامنه ی آن به ادبیات معاصر فارسی نیز رسیده است که می تواند نوید بخش گشایش شیوه ای نوین در مباحث بلاغی، دستوری و زبان شناسی گردد. واژه های کلیدی: بلاغت و صناعات ادبی، جناس، بلاغت سنتی، بلاغت نوین.

۱ - مقدمه

یکی از گسترده ترین بخش های ادبیات فارسی، فنون بلاغت و صناعات ادبی آن است. در نظام معنایی زبان و ادبیات، صناعات ادبی و به نوعی انواع صور خیال مندرج شده در واژه ها و عبارات، تصویرهایی زیبا و بدیع گاه به صورت آشکار و گاه به صورت پنهان به وجود می آورند. تعدادی از این ژرف آفرینی های واژگانی با قوای حسی مانند گوش و یا چشم قابل دریافت هستند و می توان از آنها فرایند التذاذ ادبی کسب کرد. تعداد زیادی از صناعات ادبی که رابطه های پنهانی با عقل، دل، روح و ذهن انسان خواننده برقرار می کنند را می بایست با نشانه هایی، رمز گشایی کرد و در بحر بی کران معنویت آنها مستغرق شد.

فنون بیان، بدیع و معانی ادبیات فارسی و عربی با وجود گستردگی، سابقه ی طولانی و تاثیرات زیادی که بر ذهن ها داشته و دارند به یقین نیازمند یک بازنگری، تحوّل درجهت تکامل بیشتر و به روز آوری هستند که البته می بایست با شیوه ای روشمند و کاملاً علمی در پیوند با زبان شناسی جدید این مهم صورت پذیرد.

در دوره ی معاصر: «سبک شناسان و محققان ادبی، قرن سیزدهم قمری را قرن «رستاخیز ادبی»، «تجدد ادبی»، «نهضت ساده نویسی»، «دوره بیداری» و «نوزایی ادبیات» خوانده اند» (رحیمیان، ۱۳۹۴، ص: ۷). هرچند که در قدیم یکی از موادّ اولیه کلام ادبی، فنون بلاغت و صناعات ادبی به صورت دال و میزان تاثیر آن بر مخاطب به صورت مدلول بوده است، در سده های اخیر دگر گونی های زیادی در حوزه ی زبان، معنا، ساختار، درون مایه و نیز مخاطب پذیری بوجود آمده است که پیوند صناعات بلاغی سنتی با تکنیک های عصر جدید متن نویسی در کلام سبب ایجاد دگرگونی هایی از نوع تضاد، تقابل و ... در ابعاد گسترده لفظ و معنا به همراه دارد. در این دگردیسی بزرگ ادبیات، یک اتفاق مهم دیگر که روی داده است، تاثیرپذیری و الگو گیری ادبیات فارسی و عربی از جریان های فکری - فلسفی غرب و متون ترجمه شده نظم و نثر دنیای مدرن و فنون بلاغی جدید است. در چنین فضایی، دانش جدیدی می بایست خلق شود تا از زوایای گوناگونی نقش فنون بلاغی قدیم را با تکنیک های ادبی جدید همسان سازی نماید و میزان ارزش و اهمّت هر کدام و مقدار تاثیر به یکدیگر را به محک نقد بسپارد.

از میان فنون بلاغت سنتی، آرایه ی بدیعی «جناس» (pun)، یکی از پرکاربردترین فنون و در عین حال پایه ای استوار برای انسجام و استحکام بخشیدن هرچه بیشتر به شعر و نثر ادبی بوده است. هرچند که این صنعت در فرایند ادبیات سنتی چندان تغییری در ماهیت و محتوای لفظی و معنایی آن شکل نگرفته است ولی به نظر می رسد در شتاب دگردیسی عصر جدید که ادبیات به شکل های گوناگون با سایر علوم جدید پیوندی محتوایی برقرار کرده است این آرایه ی ادبی نیز از این فرایند متأثر بوده و در کمیت و کیفیت آن تغییراتی در حال شکل گرفتن است.

در این پژوهش آرایه ی بدیعی «جناس» به صورت تطبیقی در چهار کتاب: «جواهر البلاغه» از سید احمد هاشمی، «معالم البلاغه» از محمد خلیل رجایی، «فنون بلاغت و صناعات ادبی» از جلال الدین همایی و «نگاهی تازه به بدیع» از دکتر سیروس شمیسا، همراه با توضیحات و مثالهایی دیگر مورد بررسی و مطابقت قرار گرفته اند. در سه کتاب اول، بنا به اهمیّت خاص، جناس با رویکرد سنتی، در مقام سنجش و توضیح قار

گرفته است و در کتاب چهارم جناس با رویکرد تازه و توجه امروزین به آن، انتخاب شده اند. به یقین تعداد قابل توجهی از آثار شمیسا در زمینه ی نقد و تحلیل ادبیات می تواند شاخصی برای گرایش به زبان و ادبیات نوین باشند. تمام نمونه های نظم و نثر نیز به نقل از همین چهار کتاب آورده شده اند که در این پژوهش فقط به نام نویسندگان و یا شاعران آن ها اشاره شده است.

۲ - تعریف لفظی و اصطلاحی جناس و فایده ی آن

باید دانست که صنایع پر کاربرد ادبی کلاً به دو طبقه تقسیم شده اند:

الف - صنایع لفظی (بدیع لفظی): آن است که زینت و زیور کلام، وابسته به الفاظ و روابط آوایی آنها باشد. مانند صنعت تسجیع، تجنیس و...
ب - صنایع معنوی (بدیع معنوی): آن است که حسن و تزیین کلام به روابط معنایی میان الفاظ مربوط شود. مانند: تشبیه، استعاره، مجاز و...
تجنیس (یا جناس) ، از صنایع لفظی در علم بدیع است. صنایع بدیع، به دو بخش لفظی و معنوی تقسیم می شود؛ البته بعضی از ادیبان، بخش دیگری به نام «مشترک لفظی و معنوی» را بدان افزوده اند.

همایی در پیوند بین لفظ و معنی می نویسد: «اصل در کلام «معنی» است نه لفظ. ... شرط اصلی در محاسن بدیع آن است که جانب فصاحت و بلاغت را فرو نگذاشته، معنی را فدای الفاظ نکرده باشند.» (همایی، ۱۳۶۸، ص: ۶۶). با این حال، چنانچه لفظی بطور طبیعی و بجا و دور از تصنع، در کلام بیاید و در ذائقه شنونده خوشایند باشد، و به جافتادان معنا در ذهن مخاطب کمک کند، مکمل و پرورنده معنا خواهد بود.

در این مبحث ابتدا به صورت های مختلف و یا متشابه تعریف جناس در این کتاب ها توجه می کنیم.
جناس از نظر لغوی، مصدر باب «مفاعله» به معنای همانندی و همجنس بودن است. رجایی عقیده دارد که: «تجنیس در لغت به معنای «همجنس آوردن» و «با چیزی مانند شدن» است. جناس تشابه دو کلمه در لفظ با مغایرت در معنی.» (رجایی، ۱۳۷۲، ص: ۳۹۶). همایی می نویسد: «جناس آن است که گوینده یا نویسنده در سخن خود کلمات هم جنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه، و در معنی مختلف باشند.» (همایی، ۱۳۸، ص: ۴۸).

و هاشمی در نگاهی سنتی و نزدیک به زبان بلاغت وحی می نویسد: «الجناس ويقال له التجنیس، والتجانس، والمجانسه، ولا يستحسن إلا إذا ساعد اللفظ المعنى، و وازی مصنوعه مطبوعه، مع مراعاة النظر، وتمکن القرائن، فینبغی أن ترسل المعانی علی سجاتها لتکتسی من الألفاظ ما یزینها، حتی لا یكون التکلف فی الجناس مع مراعاة الائتنام، موقعا صاحبه فی قول من قال: طبع المجنس فیه نوع قیاده أو ما تری تألیفه للأحرف. الجناس: هو تشابه لفظین فی النطق، واختلافهما فی المعنی وهو ینقسم إلى نوعین: لفظی و معنوی. (هاشمی، ۱۳۸۸، ص: ۳۴۵).

شمیسا در طرحی تازه و در پیوند با زبان شناسی معاصر می نویسد: «روش تجنیس یا جناس یا همجنس سازی یکی از روش هایی است که در سطح کلمات یا جملات، هماهنگی و موسیقی به وجود می آورد ویا موسیقی کلام را افزون می کند. روش تجنیس مبتنی بر نزدیکی هرچه بیشتر واک هاست به طوری که کلمات همجنس به نظر آیند یا همجنس بودن آن ها به ذهن متبادر شود. به مصادیق روش جناس نیز جناس می گویند (شمیسا، ۱۳۸۱، ص: ۵۳).

با این اوصاف جناس در اصطلاح، همانندی دو کلمه در لفظ با اختلاف آنها در معناست. در همه ی تعریف هایی که برای صنعت جناس آورده شد شرط تجنیس، یا همان جناس بودن کلمات، اختلاف معنایی دو لفظ همانند است. به دو لفظ همانند در جناس، «دو رکن جناس» می گویند. فایده جناس نیز این است که جناس، شنونده را متوجه کلام می کند، زیرا تناسب الفاظ موجب توجه به سخن و گوش دادن می شود و وقتی، لفظی در معنایی بکار می رود و سپس در معنای دیگر استعمال شود، نفس آدمی به آن مشتاق تر می گردد. در مثال های زیر کلمات مشخص شده، نسبت به هم جناس دارند:

ساق و مساق در آیه ۲۹ و ۳۰ سوره قیامت: «وَأَلْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ إِلَى رِبْكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ». و هم چنین در بیت:

«ما مات من کرم الزمان فانه یحیی لدی یحیی بن عبدالله».

یحیی اول فعل مضارع و یحیی دوم اسم شخص و علم است و جناس دارند.

هم چنین در بیت فارسی زیر:

«ایا غزال سرای و غزل سرای بدیع بگیر چنگ به چنگ اندر و غزل بسرای». (رشید و طواط)

واژه چنگ، به دو معنا به کار رفته است: «نوعی ساز» و «پنجه و انگشت». سعدی گوید: «برادر که در بند خویش است، نه برادر و نه خویش است.» خویش اول «ضمیر مشترک» و دوم به معنی «خویشاوند و فامیل» است.

۳ - اقسام جناس

همایی در تقسیم جناس به شیوه ی پیشینیان می نویسد: «به طور کلی، جناس بر دو قسم است: «جناس تام» و «جناس ناقص». و جناس ناقص عبارتند از: «محرف، زائد، مرکب، مطرف، مضارع و لاحق، خطی، لفظی و قلب می شود.» (همایی، ۱۳۶۸، ص: ۶۱).

هاشمی نیز بر دو نوع جناس از مقوله ای دیگر سخن می گوید: «الجناسُ: هو تشابه لفظین فی النطق، واختلافهما فی المعنی وهو ینقسم إلی نوعین: لفظی و معنوی». وی جناس تام را از اقسام جناس لفظی دانسته است. شمیسا به طبقه بندی جناس نپرداخته است و همه ی انواع جناس ها را از تام و غیر تام در یک طبقه و نظام زبانی و بلاغی قرار داده است. وی برخلاف تقسیم بندی جناس ها به لفظی و معنوی، که هر کدام نیز طبقاتی دیگر شامل می شوند فقط یک نوع جناس را به عنوان جناس « لفظ» معرفی نموده است. واژه هایی مانند: خوار / خار، فطرت / فترت، محذور / محذور را جناس لفظ می داند. البته این نوع جناس تکیه گاهی لفظی - صوتی در زبن شناسی دارد. (شمیسا، ۱۳۸۱، ص: ۵۵).

۱-۳- جناس تام

در تعریف جناس تام رجایی می نویسد: «جناس تام، آن چنان است که دو لفظ متجانس در انواع و عدد حروف و هیئت آنها یعنی حرکات و سکنتات و ترتیب حروف یعنی تقدم بعضی بر بعضی متفق باشند به این معنی که دو اسم یا دو فعل یا دو حرف باشند جناس را جناس متمائل نامند. مثل قول باری تعالی: «یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه» که ساعت اول در آیه بمعنی روز قیامت و دوم بمعنی مدت معین از زمان است. (رجایی، ۱۳۷۲، ص: ۳۹۶).

همایی نیز: «جناس تام، آن است که الفاظ متجانس در گفتن و نوشتن یعنی حروف و حرکات یکی و فقط در معنی مختلف باشند، مانند کلمه تیر در فارسی، و عین در عربی که به معانی مختلف استعمال می شود». (همایی، ۱۳۶۸، ص: ۴۹). نکته ی مهم در جناس تام این است که تفاوت معنایی دو کلمه ی هم شکل در متن کلام (Context) قابل فهم است.

چند نمونه از صنعت جناس تام در شعرهای فارسی:

« دیدی آن ترک ختا غارت دین بود مرا / گر چه عمری به خطا دوست خطابش کردم» (فرخی یزدی)

« بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت» (خیام نیشابوری)

گور اول به معنی گورخر و گور دوم به معنی قبر (مجازاً خاک)

« شکر لب جوانی نی آموختی / که دل ها بر آتش چو نی سوختی» (بوستان سعدی)

نی اول به معنی ساز و نی دوم: چوب نی

« از آن دمی که ز چشمم برفت رود عزیز / کنار دیده من همچو رود جیحون است» (حافظ)

« از بس مکان که داده و تمکین که کرده اند / خشنودم از کیای ری و از کیای ری» (خاقانی)

« حمله مان از باد و از ناپیداست باد / جان فدای آن که ناپیداست باد» (مولوی)

نکته ای که رجایی قابل ذکر می داند این است که: «تقریباً نظر همه پژوهشگران فن بدیع بر این است که بهترین نوع جناس، جناس تام است، زیرا با تکرار الفاظ مشترک، بهترین بهره دهی از معنی را به ظهور می رساند؛ البته اگر به طور طبیعی و بجا در کلام استفاده شود و شاعر و نویسنده هیچ گونه اجباری در ایراد آن، جز انگیزه تناسب ذهنی نداشته باشد.» (تجلیل، ۱۳۸۵، ص: ۱۷).

اما تعریف و توضیحات جناس تام در نظر هاشمی:

«الجناس التام: وهو ما اتفق فیهِ اللفظان المتجانسان فی أربعة أشياء، نوع الحروف، وعددها، وهیئاتها، والحاصله من الحركات والسکنتات، وترتیبها مع اختلاف المعنی. فان كان اللفظان المتجانسان من نوع واحد: کاسمین، أو فعلین، أو حرفین سمی: الجناس (مماثلاً ومستوفياً) نحو: (ویوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه) فالمراد بالساعة الأولى یوم القیامة، وبالساعة الثانية المدة من الزمان، ونحو: رحبه رحبه: فرحبه الأولى: فناء الدار، ورحبه الثانية: بمعنی واسع و إن كانا من نوعین: کفعل واسم، سُمی: الجناس مستوفياً، نحو إرع الجار و لو جار و کقول الشاعر:

« ما مات من کرم الزمان فإنه / یحیا لدی یحیی بن عبد الله»

فیحیا الأول فعل مضارع، یحیی الثانی اسم الممدوح، ونحو:

... إذا رماک الدهر فی معشر / قد أجمع الناس علی بغضهم

... فدارهم ما دمت فی دارهم / وأرضهم ما دمت فی أرضهم». (هاشمی، ۱۳۸۸، ص: ۳۴۵)

شمیسا نیز با نگاه نوگرایانه ی خود می نویسد: «لفظاً مجموعه صامت ها و مصوت ها) یکی باشند؛ یعنی اتحاد در واک و اختلاف در معنی: شانه / شانه، گور / گور، گوی / گوی». هم چنین در توضیحاتی بیشتر که مبانی زبان شناسی و محتوایی اجتماعی به خود گرفته است می نویسد: «جناس تام همان بحث لغات مشترک یعنی لغات چند معنایی (Polysymy) در بحث علم اصول و دلالات در منطق و معنی شناسی (Semantics) است و در همه زبان ها مطرح است و از آنجا که محل التقای مباحث معنایی (Thematics) و مباحث لفظی (Verbal) است اهمیت بسیار دارد.» (شمیسا، ۱۳۷۱، ص: ۵۴).

البته شمیسا به این نکته در واژه های دارای چند وجه معنایی ولی با شکل متفاوت املایی نیز یادآوری می کند که: «تجانس بین

خوار/اخر، فطرت/ فترت، محظور/ محذور را جناس لفظ نام نهاده اند. از نظر ما همه این موارد جناس تام است. زیرا چنانکه گفته شد بدیع بحث موسیقی و مسموعات است نه بحث مکتوبات». (شمیسا، ۱۳۸۱، ص: ۵۵). هم چنین دکتر شمیسا نیز جناس تام را مطابق نظر رجایی همان بحث لغات چند معنایی در بحث علم اصول و دلالت در منطق و معنی‌شناسی می‌داند که در همه زبان‌ها مطرح است. (شمیسا، ۱۳۸۱، ص: ۳۹). البته در توضیح و تبیین بیشتر جناس تام، پژوهشگران علوم بلاغی، جناس تام را به دو بخش «متماثل» و «مستوفی» تقسیم می‌کنند که اگر جناس بین دو لفظ هم‌نوع قرار گیرد، مانند اینکه هر دو، فعل باشند، آن را «متماثل» و در غیر این صورت «مستوفی» گویند. از آشکارترین جناس مستوفی، سخن خداوند در سوره مؤمنون آیه ۹۱ است که می‌فرماید: «ولعلا بعضهم علی بعض...». جناس بین فعل «علا» و حرف جر «علی» جناس تام و آشکار است و دخول لام تأکید بر سر فعل از جناس تام بودن «علا» نمی‌کاهد. بخش عظیمی از جناس تام، در قرآن وجود دارد و آن جناس بین حروف و نام‌های «مبنی» است. برخی از آنها عبارتند از: «قلتم ماندری ما الساعة». (جائیه: ۳۲)؛ «قلت لهم الا ما امرتني به». (مائده: ۱۱۷). «و یوتی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة». «من» در بخش نخستین مثال اخیر، موصول و در دومی «من» شرطی است. بین کلمات یسقین (می‌آشاماند) و یشفین (شفا می‌دهد) که در جایگاه فاصله آیات نشسته‌اند، جناس خطی به زیبایی واقع شده است.

۲-۳ - جناس غیر تام:

پس از این توضیحات مختصر در موضوع جناس تام، اکنون به دلیل محدودیت در حجم مقاله به صورت بسیار کلی فقط به معرفی نام و طبقه بندی جناس غیر تام در دیدگاه‌های سنتی و نوین می‌پردازیم.

«جناس غیر تام، آن است که دو رکن جناس در همه ی امور چهارگانه مذکور متفق نبوده بلکه در بعضی از آنها مختلف باشند و این اقسامی دارد) رجایی ۱۳۷۲، ص: ۳۹۹).

هاشمی نیز در این خصوص می‌نویسد:

«الجناس غیر التام: وهو ما اختلف فيه اللفظان فی واحد أو أكثر من الأربعة السابقة (و یجب ألا یكون بأكثر من حرف) واختلافهما: یكون إما بزيادة حرف. (فی الأول)، نحو: دوام الحال من المحال. أو (فی الوسط) نحو: جدی جهدی. أو (فی الآخر) نحو: الهوی مطیة الهوان. و الأول یسمى «مردوفاً»، والثانی یسمى «مکتنفاً» والثالث «مطرفاً». كقوله تعالى: (ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغير الحق وبما کنتم ترحون). وکقول الشاعر:

فان حلوا فلیس لهم مقرٌّ
وإن رحلوا فلیس لهم مقرٌّ». (هاشمی، ۱۳۸۸، ص: ۳۴۶).

پیش از این به نظر همایی در تقسیم بندی جناس به صورت تام و ناقص اشاره شد. وی نیز اقسام جناس ناقص یا غیر تام را ۸ مورد معرفی کرده است: «جناس ناقص یا محرف، جناس زاید، جناس مرکب، جناس مطرف، جناس مضارع و لاحق، جناس خط یا مصحف، جناس لفظ یا لفظی، جناس مکرر یا مزدوج و مردد» (همایی، ۱۳۶۸، صص: ۶۱ - ۵۰).

شمیسا در عین حال که به طبقه بندی جناس‌ها در دو گروه نیرداخته است اقسام جناس را به جز جناس تام این گونه معرفی کرده است: «جناس لفظ، جناس مرکب، جناس مضارع، جناس خط یا تصحیف، جناس ناقص یا محرف (اختلاف مصوت کوتاه)، جناس اشتقاق یا اقتضاب (جناس اختلاف مصوت بلند)، جناس اشتقاق (جناس کلمات همخانواده یا جناس ریشه)، جناس زاید، جناس مطرف یا مزید (اختلاف الاول)، جناس الوسط (مختلف الوسط)، جناس مذیل (مختلف الاخر)، جناس قلب یا مقلوب» (شمیسا، ۱۳۸۱، صص: ۷۳ - ۵۵).

۴ - نتیجه گیری

از میان صناعات ادبی، آرایه ی جناس صورت تحول پذیر و دگرگونی پیدا کرده است. هرچند که دامنه ی این تحول هنوز گسترده نشده و نیاز به تکامل و بازنگری‌های بیشتری دارد ولی همین حرکت نوین در این راستا می‌تواند سبب ایجاد تحول کلی و اساسی در ساختار بلاغت نوین فارسی گردد. رویکرد صاحب نظران سنتی به تمام صناعات ادبی، صرفاً معنا گرا و بر اساس محتوای متن و اندیشه ی نویسنده بوده است در حالی که رویکرد نوین به این صناعات ادبی و بویژه جناس بیشتر بر اساس ذهنیت گرای و مدار جریان‌های زبان شناسی جدید قرار دارد.

۵ - فهرست مراجع

- تجلیل، جلیل، جناس در پهنه ادب فارسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵
رجایی، محمد خلیل، معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، چاپ سوم، شیراز، انتشارات مرکز نشر، ۱۳۷۲
رحیمیان، هرمز، ادوار نثر فارسی، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۴
شمیسا، سیدوس، نگاهی تازه به بدیع، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۸۱

هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ترجمه: حسن عرفان، قم، انتشارات بلاغت، ۱۳۸۸
همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، انتشارات، موسسه نشر هما، ۱۳۶۸